

بناسبت جنایات اخیر سازمان امنیت

رهائی خلق در مبارزه قهرآمیز است

کارگران و دهقانان، روشنفکران، مبارزان ملی و ضد استعماری ایران هر روز خیرهای وحشت آوری از زندانهای محمد رضا شاه میسرند. چندی پیش سازمان توفان ضمن اعلامیه‌های هشدار داد که رژیم کودتا در تدارک جنایت دیگری است و تازگی عده‌های از فرزندان شایسته خلق را بشکجه گاهها کسانده داشت. بعد اناشاید شد که از چهل تن زندانی مذکور جان عده ای از جمله: بیژن جزئی، حسن طریفی، و سورگی در اثر شکجه‌های وحشیانه در خطر است. در خلال این احوال یک سلسله آدم در دیهادر تهران و شهرستان و ترویرخی از مخالفان در مهاجرت بمنظور ایداد ترس از طرف ارتکاب مختلف رژیم صورت گرفته و میگرد. محمد رضا شاه در تعقیب، حسرت زجر و اعدام فرزندان خلق بما، موران سازمان امنیت "سفید مهر" داده است. مردم از دستگیری متهمان سیاسی فقط پس از خصم شدن محکومیت آنها، و سپس از اعدام آنها باخبر میشوند. سیاهچاله‌های سازمان امنیت بصورت فراموشخانه در آمده است. همگونی کسانی در زندانها بسر میبرند که تقریباً باندازه طول سلطنت محمد رضا شاه حبس کشیده یعنی تا امروز بیش از نیمی از عمر آگاه بشری را در زندان گذرانید مانند: حبیبسراجوانی که در چار دیواری زندان بهیروی رسید است. اینک در زندانها چندی "نسل زندانی" وجود دارد که گرفتاری هر یک یادگار مرحله‌ای از یورش ارتجاع است. این جنایات از دیده جهانیان پوشیده نیست. در افشا آنها همه مبارزان راه خلق و پیروان دانشجویان میهن پرست مقیم خارجه که امکانات فعالیت علمی بیشتری دارند نقش شایسته ای ایفا کرده اند. بر یاد داشتن نظاهرات، ترتیب مصاحبه ها، نگاشتن مقالات در جراید اروپا و آمریکا، نامه نویسی بمقامات رسمی ایران، مراجعه بمحافل شرقی بین المللی، طرح پیشنهادی مشخص برای بهبود وضع زندانیان، تشکیل انجمنهای حمایت از زندانیان سیاسی و غیره و غیره از اقدامات مفیدی است که ناشون انجام گرفته است و باید بمقیاس وسیعتری انجام گیرد. بدون تردید اقداماتی از این قبیل توانسته و خواهد توانست رژیم محمد رضا شاه را در موارد معین بحسب نشینی محدودی وادارد. ولی برخلاف آنچه رویزیونیستها مینندارند، این گونه اقدامات هرگز نتوانسته و نخواهد توانست در ماهیت رژیم فرمانروان تعییری وارد کند. پانزده سالی که از استقرار رژیم کودتا میگذرد گواه این امر است تا وقتیکه نیروی قهر فقط در دست محمد رضا شاه و حکومت اوست تا وقتیکه این نیروی قهر ارتجاعی با نیروی قهر انقلابی روبرو نشود است، تا وقتیکه آدمکشان و شکجهگران حرفهای از مجازات خلق در امان اند، تا وقتیکه دست توانای خلق به قدرت نمائی نبرداخته است رژیم کودتا با تماشای تاراجی ادامه خواهد یافت. یگانه راه خاتمه دادن بجنایات در دخیمان، شکجه گران، ما موران سازمان امنیت، ژاندارمها و سربازان شاه مقابله قهر انقلابی با قهر ضد انقلابی است که باید بر اساس فعالیت وسیع، و پشتیبانی مردم، بوسیله مردم در جهت هدفهای نهضت نجاتبخش ملی و دموکراتیک ایران بعمل آید و جنبه توده ای داشته باشد. باید قهر مقاومت مسلح را که در بیست ساله اول قرن بیستم در کشورهای انقلاب مشروطه، در نهضت جنگل در رقیام خیابانی، در قیام لاهوتی، در قیام لپاک خان و غیره و غیره آن همه تماهرات در خشان داشته است دوباره زنده کرد. اختناق بیست ساله حکومت رضاخان این فلر را موقا کشت و بیاز شهر یور ۱۳۲۰ حزب توده ایران شاسفانه با حیا: اشاعه جدی آن نبرداخت. این وظیفه انقلابی همه میهن پرستان ایران است که این فکر مقدس را بعبان توده ها بپروند، تحذیرات مسالمت آمیزی بقیه در صفحه ۹

اظهاریه رفیق مائوتسه دون

(صدر کمیته مرکزی حزب سونیست چین)

در پشتیبانی از مبارزه آفریقائیان آمریکائی بر ضد ستم

نزار سیاه از میان خواهد رفت. من امروز نیز بر همین عقیده انقلاب جهانی در لحظه شونی بدورانی نوین و بزرگ کام نهاد است. مبارزه آفریقائیان امریکائی برای رهائی خویش عصری از مبارزه همگانی خلقهای جهان بر علیه امپریالیسم امریکاست، عصری از انقلاب جهانی عصر ماست. من از کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی همه کشورها و نیز از کلیه کسانیکه خواهان نویسن امپریالیسم اند دعوت میکنم که بعمل بپردازند و بمبارزه آفریقائیان امریکائی پشتیبانی نیرومندی برسانند. خلقهای جهان، محکمز از همیشه با هم متحد شوید. بحملات عری و شدیدی بر دشمن مشترک ما، بر امپریالیسم امریکائی و دستیارانش بپردازید. میتوان تأیید کرد که روز زراب کابل استعفا امپریالیسم و کلیه سیستمهای استعمار، روز نیل برعائتی کامل همه حقیقا و ظل ستم دیده دور نیست.

امیرا پاستور افریقائی - امریکائی، مارتن لوتر کینگ، بدشت امیر - یالیستهای امریکا وحشیانه کشته شد. او هوادار مسالمت بود. اما امپریالیستهای امریکا از او همگند شدند و قهر ضد انقلابی دست زد ماورا بمرحمانه بقتل آوردند. این حادثه برای توده‌های افریقائی امریکائی درس بزرگی است. این حادثه توفان نازهای از مبارزه بر ضد ستم پرانگیخته کمبیش از صد شهر امریکا را در بر گرفته است و در تاریخ امریکایی سابقه است. این حادثه نشان میدهد که در افریقائیان امریکائی که بیش از بیست میلیون نفرند نیروی انقلاب عظیمی نهفته است. مبارزه آفریقائیان امریکائی که چون توفانی در امریکا میخروشد، عصر نمایانی از حیران سیاسی و اقتصادی کنونی امپریالیسم امریکا این مبارزه امپریالیسم امریکا که باد شولپهای فراوان داخلی و خارجی دست بگریبان میبازد ضربه‌های سخت وارد میاورد. مبارزه آفریقائیان امریکائی فقط مبارزه ای نیست که سیاهان استثنا زد و ستم دیده بخاطر آزادی و رهائی خویش انجام میدهند. بلکه ضغاندای جدیدی است که همه امریکائیان استثمارزده و ستمگرا را بقیام بر علیه سلطه دشمنانه بورژوازی انحصارها فرامیخواند. این مبارزه پشتیبان نیرومند همه خلقهای جهان و خلق ویتنام در نبرد با امپریالیسم امریکاست و بآنها دل گرمی بسیار میبخشد. من بنام خلق چین پشتیبانی راسخ خود را از مبارزه عادلانه آفریقائیان امریکائی اعلام میدارم.

گرمی باد یاد او نه زورگ

روز ۲۳ ژوئن سال گذشته دانشجویان مترقی آلمان به منصفرا برای زتنفر نسبت به درخیم خلق ایران محمد رضا شاه، که بمهمانی امپریالیسم آلمان رفته بود، در کنار دانشجویان ایرانی به جنبش درآمدند و در جبهه واحد بر علیه پلیس آلمان و ما موران سیاهاگرا زمانا منیت نبرد کردند. در این نبرد افتخار آمیز دانشجوی آلمانی، انه زورگ، بتر بگلوله آریای درآمد. مرگ وی نشانه همبستگی خلق ایران و خلق آلمان است. نشانه اتحاد آنها بر علیه امپریالیسم و فاشیسم است. ملت ایران یاد او نورگ را کرامی میدارد و او را تحکیم بیشتر همبستگی خویش با خلق آلمان می شمارد. باین مناسبت لازم است یاد آور شویم که در بیکار بزرگی که هم اکنون دانشجویان و همه بهترین نیروهای ملت آلمان در براراجیا، فاشیسم در پیش دارند خلق ایران با آنهاست. بیکار بر علیه فاشیسم که انهمه ماثب عظیم برای بشریت بسار آورد و اینت در کمین تجدید جنایات گذشته است بیکاری است مقدس و متعلق بهمه خلق های جهان. استوار بساد بیوند خلق ایران و آلمان بر علیه فاشیسم و امپریالیسم:

جنبش خرداد ۱۳۴۲

آمدند بطوریکه حتی در نگاه تعلیماتی رژیم سیز کف نام کوشش در بن یوشاندن عظمت حادثه نبود نتوانست تعداد کشتگان و زخمیان تهر را ختراز ۲۰۰ تن قلندار کند. خصوصیت مثبت عمده جنبش خرداد ۱۳۴۲ در آن بود که توده های مردم چنظا هر مسالمت آمیز اکتفا نکرند و قهر ارتجاعی در بار آورد و با قهر انقلابی روبرو ساختند. آنروز در وسائل قوای دولتی مانسند انجیل، موتورسیکلت، حملها را افراد یو و تبلیغات، پروژا رت کشور، برانکا ههای مزدوران حلقه بکوش شاه، بر برخی از مظاهر تجمل، صفات غارتگر، درگیری با پلیس و سربازان شامه میدبخش از کرایس حقی ایران بمبارزات قهر آمیز بود. این جنبش همه ضد انقلابیون هراس زده، بژنا و جهان را در صف واحدی انداخت. این جنبش جنبه جدی داشت، از حدود انفعاد های "اپوزیسیون اعلیحضرت" بیرون، بقواعد بازیهای سیاسی "مسالمت آمیز" را در هم میشکست، کوس نبرد های جدیدی را میواحت. شاه و دولت، امپریالیستها، اپوزیونیستها، رویزیونیستها ایرانی و غیر ایرانی حق داشتند که بهراسند. بمعقید ما اینها توده های مردم "حق دارند" که رنج بشنند، ناله کنند و حش فریاد برآورند، بزند ان پرونده، ششجه ببینند و سرفراز جو مود ارگردند. وی "حق" سلحه داشتن، حق بزدن، حق شستن، حق سوزاندن و حفظ طبقات فرمانرواست. روزی که مردم دست از آسین برآرند، انحصار سلطه داری را برهیزند، بقیه در صفحه ۹

پنج سال پیش در چنین روزهایی خون سرخ میهن پرستان ایران پرچم انقلاب بر سنگ فرش خیابانهای تهران، ری، مشهد، تبریز، شیراز و قم مینگاشت. در این اردوگاه اسیران کمبیش ماست صدای کسستن زنجیرها و صغیر گولها و فریوتورهای عاصی ظنین انداز بود. مشت ها بجزور آزمائی سرنیزه ها و سینه ها به پیشباز گلوله هامیرفت. شعلات توجیل های ارتش و شهرانی که بدست مردم آتش زده می شد از خشم سوزان خلق خبر میداد. برخی از عمارات و موسسات دولتی و پارا کر ارتجاعی بعنوان مظاهر حکومت استبدادی در زیر ضربات حورر کننده قرار می گرفت. تانکهای سنگین میداناری میگرد ولی از اینک سیل مردم را سد بندی شد عاجز بود. فریاد های "مردم باد استبداد" و "مرگ بر محمد رضا شاه" خفقان محیط را در هم میشکست. جنبش خرداد ۱۳۴۲ در دوران رژیم کودتا و از بعضی جهات در تاریخ ۲۵ سال اخیر ایران بینظیر است. این جنبش کاملاً توده‌های بود و دهها هزار تن در آن شرکت جستند. این جنبش صریحا بر ضد رژیم کودتا بود و شعار سرنگونی محمد رضا شاه را مطرح میگرد. این جنبش که مردم را در مدتی بیش از یک هفته با قوای مسلح ارتشی در کسیر ساحت نشانهای از اراد میبارجوی خلق ایران بود. این جنبش سرشار از جانبازی بود. شهادت مردم با قسوت محمد رضا شاه برابری میگرد. هزارها نفر در تهر و شهرستانها بقتل

پیروز باد جنگ توده‌های خلق قهرمان ویتنام

دو خط مشی



استانین بزرگ از همان نخستین سالهای پس از انقلاب اشرار بود که تار انقلاب بمپیروزی انقلاب سوسیالیستی در اتحاد شوروی حاتمیه نماید، بلکه وارد مرحله جدیدی میشود. مرحله انقلاب در مقیاس جهانی، یعنی پیروزی امپریالیسم و پیروزی سوسیالیسم از طریق اتحاد انقلاب پرولتاریائی با جنبش آزاد یحش کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره. این بهیچوجه بمعنی "نازاندن" انقلاب نبود. این معنی نبود که باید بیدار شد از راه جنگ با این مشغور نائل آمد. معنی صدور انقلاب هم نبود و نمیتوانست باشد زیرا اندکی پس از جنگ جهانی اول نامدنی انقلاب در کشورهای در حال فروکش بود اما این معنی بود که کمونیستها باید سیاست خود را بر این خط مشی پایه بگذارند و فعالیت خود را بر این اساس سازمان دهند. شش سالین نازمانی که در راه حزب کمونیست اتحاد شوروی قرار داد این خط مشی انقلابی وفادار ماند. با امپریالیسم و ارتجاع با استحکام و قاطعیت مبارزه کرد. بنوده های خلق در مبارزه شان علیه امپریالیسم و ارتجاع صمیمانه کمک رسانید.

در شکره ۲۰ که مانند لکه سیاهی بر دامان جنبش کمونیستی باقی خواهد ماند، همزمان با حملات خائشانه خروشچف باستانین، این خط مشی انقلابی جای خود را بخط مشی ضد انقلابی و ایدئالیستی واگذاشت که مبنی بر سه اصل همزیستی مسالمت آمیز، که ارسالیت آمیز، مسابقه مسالمت آمیز است. جان کرم این خط مشی را میتوان شرح زیر خلاصه کرد:

با استفاده از برتری سیستم سوسیالیسم برسیتیم سرمایه داری و بانیه بر مسابقه مسالمت آمیز با امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکائی میتوان در فاصله زمانی کوتاهی سطح زندگی مردم شوروی را بیا به ایالات متحده رسانید و از او هم بالاتر برد و آنگاه توده های مردم در سراسر جهان بحفانیت سوسیالیسم و بلزوم آن پی خواهند سر و برای استقرار آن خواهند کوشید. اما برای نیک باین هدف اتحاد شوروی بصلح نیازمند است. بناچار لزوم حفظ صلح از راه همزیستی مسالمت آمیز در درجه اول اهمیت قرار میگیرد. احزاب کمونیست میتوانند و باید توده های مردم را به بخاطر انقلاب بلکه بخاطر حفظ صلح بسیج کنند، بخاطر حفظ صلح میتوان و باید از استقلال ملی، از آزادی چشم پوشید، بسلطه امپریالیسم بر نیمی از شش جهان تن در داد، محرومیت و کرسنگی و زجر و شکنجه کشید و عصیان نکرده. این است ماهیت خط مشی همزیستی مسالمت آمیز خروشچف که ناسیونالیسم و شوینیسم ملت بزرگ از ستایای آن میزاید، این است خط مشی ایدئالیستی که مطلقاً واقعیت جهان را در نظر نمیگیرد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی و در راه آن خروشچف بانام مسائل که در اختیار داشت کوشید این خط مشی ضد انقلابی را به تمام احزاب کمونیستی و کارگری بشاره خط مشی جنبش کمونیستی بقبولاند، معذالک با آنکه در ابتدا، هنوز حصلت ضد انقلابی این خط مشی و دامنه و اهمیت نتایج وخیم آن بر همه کس معلوم نبود مبارزه با آن آغاز گردید. عی این مبارزه احزاب وفادار به مارکسیسم - شوینیسم و در درجه اول حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی تمام توشتر خود را برای اصلاح این خط مشی بنار انداختند.

در جلسات مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ آنها موفق شدند بسیاری از اصول انقلابی را در اعلامیه این جلسات بجای احکام ضد انقلابی بنشانند ولی حزب کمونیست اتحاد شوروی از خط مشی ضد انقلابی خود دست برنداشت و آنرا بصورت فشرده و متمرکز در برنامه خود منعکس ساخت.

این خط مشی از همان آغاز پسند خاطر امپریالیسم و ارتجاع و بویژه امپریالیسم امریکا افتاد. استراتژی جهانی امپریالیسم امریکائی را در هدف را دنبال میکند. از یک طرف میبوشد تمام دنیای امپریالیسم و دنیای سوسیالیسم را، اکنون که حل آن از طریق جنگ امکان پذیر نیست، از راه "تکامل مسالمت آمیز" حل کند و با ترکون ساختن ماهیت کشورهای سوسیالیستی آنها را بتدریج در جرگه کشورهای "دنیای آزاد" در آورد و از غرب دیگر از مرکز تسلط در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره که با استقلال و آزادی آنها میانجامد جلوگیری و سلطه خود را بر روی این کشورها همچنان حفظ کند. از این رو امپریالیسم امریکائی علاقه مند است به اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از لک جنبشهای

انقلابی منطقه توفانها احتراز جویند. سیاست همزیستی مسالمت آمیز اتحاد شوروی با استقبال این دو هدف میشتابد. اتحاد شوروی با پیروی از این سیاست در دنبال همکاری با امپریالیسم امریکائی است برای اینکه بانفاق وی سلطه نفوذ خود را بر جهان بگستراند و از پیروزی انقلاب در کشورهای دیگر که ممکن است بزبان این همکاری تمام شود جلوگیری بعمل آورد.

برای صحت این امر باین کتبه کرومیوژویرامور خارجه شوروی کوشش دراد هید: "ما (شوروی و امریکا) نیرومندترین کشورهای جهانیم؛ چنانکه مایسود صلح شدت شویم، جنگی بوقوع نخواهد پیوست. اگر دیوانه ای جنگ را آغاز کند گاهی است ما با انکشت خود وی را تهدید کنیم تا آرام شود. اگر قرارداد میان رئیس دولت شوروی، خروشچف و رئیس جمهور امریکائی بندی منعقد کرد، راه حلی برای مساید بین المللی که سر نوشت بشریت بدان وابسته است پیدا خواهد شد". با صراحتی که در این گفته بنار گرفته هرگونه تفسیری زائده است.

اعتنا بر این خط مشی در ایران نه همه شاهد زنده ان هستیم، عبارت است از اتحاد با ارتجاع سیاه و در راه آن شاه علیسه خلق ایران را آرایش اقدامات نواستعماری شاه برای منصرف ساختن توده های مردم از مبارزه با رژیم، پشتیبانی از رژیم خونین کودتا برای آتیه امپریالیست ها (بهترین رژیم امپریالیسم ها) با فراغ خاطر تجارت ثروت کشور و اتاراج در سترخ خلق زحمتکش آن مشغول باشند و رویزیونیستهای شوروی و دیگر کشورهای سایه سوسیا لیستی را نیز از این نمدگلهی باشند.

همین خط مشی است که هم اکنون از عرف رویزیونیستهای ایران در مقیاس شور و دنبال میشود. تئوری "عقب نشینی" امان بدست آوردن آزادی و دموکراسی در راه رژیم موجود، ستون "انقلابات شاهانه"، تئوری "تقدم صلح بر استقلال ملی و بنا بر این اتحاد ناگشیک راه مسالمت آمیز انقلاب"، تئوری "تبدیل استقلال و آزادی از راه کمکهای اقتصادی شوروی"، تئوری "ساختن سوسیالیسم با دست طبقات و قشرهای غیر از طبقه کارگر) و لابد با دست طبقات حاکمه شونی) و نظائرینها، مفاهیمی از این خط مشی است بتعور خلاصه خط مشی مبنی بر "همزیستی مسالمت آمیز" و گذار مسالمت آمیز، خط مشی است ضد انقلابی و ارتجاعی که بهیچوجه با واقعیت کوسی جامعه بشری، جامعه ای که در تمام جزایا و گوشه های آن نیروهای انقلابی بباخاستموری آزادی و استقلال ملی و سوسیالیسم می جنگند سازگار نیست. این خط مشی، مشی رویزیونیسم با امپریالیسم و ارتجاع است. مبارزان راه انقلاب عدالت است آنرا محکوم ساختن و در افشاندن هاند.

در ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ یعنی درست در پنج سال پیش حزب کمونیست چین خط مشی جنبش کمونیستی و مسائل مربوط به آن را در سند مشتمل بر ۲۴ ماده تحت عنوان "پیشنهادات درباره خط مشی جنبش کمونیستی جهانی" تدوین کرد. این خط مشی بد رستی مبنی بر دوشه اساسی زیر است:

(۱) "خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی باید منعکس کننده قوانین عا شامل تاریخ جهانی باشد. مبارزه انقلابی پرولتاریا و دلگها معالک مختلف از مراحل مختلفی میگذرد و دارای خصایصی است که مختصر بحد آنهاست، ولی این مبارزه نمیتواند از دائره توانین عام شامل تاریخ جهانی خارج شود. خط مشی عمومی جنبش کمونیستی جهانی باید سمت اساسی مبارزه انقلابی را بپرولتاریا و ملل شوروی های مختلف نشان دهد."

(۲) "تعیین خط مشی عمومی باید بر اساس واقعیت موجود در جهان باشد. از تحلیل طبقاتی تضاد های اساسی جهان کونی نانی شود و علیه استراتژی جهانی ضد انقلابی امپریالیسم امریکا متوجه باشد."

واقعیت کونی جهان بیش از هر موقع دیگر مساعد بحال مبارزه انقلابی است. دنیای سوسیالیسم از حد و یت کشور واحد فرارفته، اکنون یک رشته از کشورهای را در آسیا و اروپا و امریکا لاتین در بر میگیرد. این کشورهای با سرعت رشد مییابند و هر روز نیروی بیشتری میکینند. رشد نیروی مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی و مبارزه مداوم آنها علیه امپریالیسم و ارتجاع و پشتیبانی بی قید و شرط آنها از جنبشهای آزادی بخش منطقه توفانها این کشورهای را بصورت یکی از دوجریان بزرگ تاریخی عصر ما در میاورد که جریان دیگر آن جنبش انقلابی ملی و دموکراتیک نیک منطبق توفانهاست. امواج مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و نوکران پست و فرومایه آن سراسر منطقه توفان ها را فرا گرفته است و بر سیکر امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکائی ضرایح مهلکی وارد میاورد.

وینام قهرمان در جبهه مقدم این مبارزه و الهام بخش و سرمشق در مبارزان انقلابی است. در کشورهای امپریالیستی مبارزه طبقه کارگر علیه انحصارها شدت مییابد احزاب مارکسیستی - لنینیستی که بنزگی در این کشورها پیدا آمده و رشد میکنند در ریشاپیش این مبارزه قرار گرفته و آنرا رهبری مینمایند. در تاریخ هیچگاه مبارزه خلق با امپریالیسم و نوکران دست نشانده آن باند از امروز دامنه دار نبوده است، هیچگاه سطح آگاهی سیاسی توده های مردم در سطح کونی قرار نداشته است. نیروی امپریالیسم و ارتجاع که پس از جنگ دوم جهانی تضعیف شد بمراتر مبارزه خلقها دست خوش تزلزل بیشتر و بیشتری میگردد.

امپریالیسم امریکا سر کرده نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی گرفتار تضاد های بسیاری است که هر روز نیروی آن را بیشتر تحلیل میبرد. باین ترتیب اوضاع واحوال جهان در مجموع خود بسود نیروهای انقلاب، بسود مبارزه انقلابی است. خط مشی عمومی جنبش کمونیستی که از طرف حزب کمونیست چین تدوین شده در انطباق با واقعیت جهان و بر اساس تحلیل طبقاتی جامعه معاصر است.

این خط مشی عمومی عبارت است از اتحاد کشورهای سوسیالیستی و اتحاد پرولترهای همه کشورها، اتحاد همه پرولترهای جهان با خلقهای اسیر و محروم و بر اساس این اتحاد تشکیل جبهه وسیع مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی بخاطر پیروزی کامل انقلاب پرولتاریائی جهانی و ایجاد جهان نوین، جهانی بدون امپریالیسم، بدون سرمایه داری، بدون استثمار.

"این خط مشی عمومی عبارت است از خط مشی ایجاد جبهه واحد وسیع مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی که تحت سرکردگی ایالات متحده امریکا هستند. هسته اساسی این جبهه اردوگاه سوسیا لیستی و پرولتاریای جهانی است. این خط مشی عمومی عبارت است از خط مشی بسیج جبهه ها، افزایش نیروهای انقلابی، جلب نیروهای بینابینی و منفرد ساختن نیروهای ارتجاعی."

بر اساس این خط مشی عمومی احزاب مارکسیست - لنینیست ملی و سیاست مشخص خود را تنظیم مینمایند و "هنگام تنظیم خط مشی و سیاست مشخص برای کشورهای خود مراعات اصل در آمیختن حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم را بایرانیت مشخص انقلاب و ساختمان در کشورهای خود از نظر ورنمیدارند". از این رو وظیفه حزب پرولتری آنست که بر پایه تئوری مارکسیسم - لنینیسم، شرایط تاریخی مشخص شورخود را بررسی کند، استراتژی و تاکتیک صحیح و مناسبی برگزیند و توده های مردم را بسوی انقلاب رهنمون گردد.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان بر اساس این خط مشی عمومی و بررسی جامعه ایران، خط مشی خود را در سندی تحت عنوان "وظائف مردم وفوری مارکسیستها - لنینیستهای ایران" تعیین کرده است. این خط مشی را میتوان چنین خلاصه کرد: اتحاد طبقه کارگر ایران باتوده های دهقانی و بر اساس این اتحاد تشکیل جبهه وسیع مردمی، ترانیک ملی بر عهده طبقه کارگر علیه حکومت ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران بسرکردگی شاه و علیه حامیان امپریالیست آن، بخاطر استقرار حکومت دموکراسی نوین و پیشرفت بسوی سوسیالیسم.

پیروی از این خط مشی فقط در صورتی ممکن است که حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر در صحنه ایران بوجود آید بدون چنین حزبی این خط مشی همچنان بر روی کاغذ باقی میماند. از این رو است که سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در درجه اول وظیفه مردم و فوری احیا حزب طبقه کارگر ایران را در برابر خویشاوندان آنرا در انجام آرا و جبهه عمت خویش قرار داده است.

در منطقه توفانها

جنگ پارتیزانی در ونزوئلا

در ونزوئلا تکامل دو جریان متضاد چشمخورد: نازیت سومانورهای رژیم نواستعماری ونزوئلا و سازشکارانه حیزبویونیستی آنجا، و از سوی دیگر مبارزه مسلحانه انقلابیون.

رئیس جمهور ونزوئلا **لشونسی** که منظور جلودگیری از انقلاب خلق و نكهداری نظامات ضد ملی و حفظ مواضع امپریالیسم امریکا (مانند محمد رضا شاه) با اصلاحات سطحی نواستعماری دست زده اخیرا عدای از سران حزب کمونیست (روزیونیست) ونزوئلا و از آنجمله دبیرکل آنرا از زندان آزاد ساخت تا آنان نیز در صحنه سازی انتخاباتی او شرکت نمایند و در فریب دادن توده ها با وپاری دهند. در عین حال رژیم لئونلی حملات سبعانه خود را بر علیه پارتیزانهای ونزوئلا تشدید

مبارزه انقلابی در گواتمالا

اخباریکه از گواتمالا (در امریکا مرکزی) میرسد بسیار امیدبخش است. اخبار مذکور حاکی از گسترش روز افزون مبارزه انقلابی خلق ویر ضد امپریالیسم و چاکران اوست. اخبار مذکور همچنین نشان میدهد که این امریافاش شدن سیاست تسلیم طلبانه رویونیستهای گواتمالا و انفراد آنها همراست است. در این کشور نیز مانند ونزوئلا، کلمبیا، بولیوی، برزیل و غیره رویونیستها از خلق زحمتکش و مبارز جدا ماندند و بدویزگی پارلمانتاریسم بورژوازی رفتند. بالتسلیحه نیروهای انقلاب مسلح گواتمالا با حزب رویونیستی گواتمالا قطع رابطه کرده اند. فرماندهنروهای انقلابی مسلح گواتمالا، سزار مونتس، در اظهاریه ای که در پایان ماه فوریه باین مناسبت منتشر ساخت میگوید: رویونیستها "باین امر که خلق میتواند قدرت را بدست آورد اعتقاد ندارند، مطمئن اند که بورژوازی میتواند رژیم دموکراتیک سرمایه داری دولتی را که بوجه مسالمت آمیز و آرام آرام بسوسیالیسم تحول مییابد رهبری کند، از جنگ میترسند، با مکان پیروزی در جنگ اعتقاد ندارند و ترجیح میدهند که آنقدر در سته های مختلف بورژوازی در مقام جنگو جاها شوند که رویونیستها بتوانند با آنها سازش جنی بر شرکت (در حکومت) نائل آیند". سزار مونتس یاد آور میشود که مارکس و لنین در زمان خویش از اپورتونیستها بریدند و چنین نتیجه میگیرند: "موقعیکه انقلاب بمقد ضرین مراحل خود میرسد ضروریست که خود را از افراد، گروه ها و جریاناتی که از مقابله با مبارزه سخت عاجزند و میخواهند از شرف انقلاب جلوگیرند، برهانند". بوی همچنین تذکر میگرد که در لحظه ای که انقلابیون گواتمالا و از آن جمله اعضا حزب در زیر شکنجه پلیس بودند و کشتار میشدند رهبران رویونیست گواتمالا دست و پا میکردند که میان گواتمالا و اتحاد شوروی روابط بازرگانی برقرار کنند. بنابراین صریح سزار مونتس، اینک نیروهای انقلابی گواتمالا پس از طرد عناصر ترسناکست بیگانه در کرد فرماندهی یگانهای وحدت یافته اند و ایمان کامل بپیروزی نهائی بر امپریالیستها دارند. ما امید داریم که خلق گواتمالا نیز مانند خلق کلمبیا، پرو، بولیوی و سن دومینگ و غیره بتواند هرچه زودتر از پیروزی نهائی خویش یعنی حزب انقلابی واقعا مارکسیستی - لنینیستی خویش را بسازد.

کرد ماست. در راه پارتیزانها دو کلاس **سراو و لوسین پستکوف** قرار دارند که در ساله پیش از حزب کمونیست (روزیونیست) اخراج شدند.

اینک سران آزاد شده حزب کمونیست (روزیونیست) ونزوئلا اقدامات خود را در دعوت مردم ب شرکت در انتخابات دروغین لئونلی (از نوع انتخابات محمد رضا شاه) در راپراد اتهام واقفان ب سران نهضت پارتیزانی ونزوئلا آغاز کرده اند. آنها از نتایج نهضت حنجر میزنند. ولی تجربه چند ساله نشان داده است که نهضت پارتیزانی ونزوئلا علی رغم ضعفها و اشتباهاتش و علی رغم خیانت رویونیستها میتواند روز بروز گسترش یابد و خلق را بسرمزول نجات رهنمون شود.

پرچم سرخ بر فراز کوههای پوپان (تایلند)

بندریج تضعیف و قدرت خویش را بتدریج افزون سازد. صدین ترتیب از پیروزیهای کوچک به پیروزیهای بزرگ نائل آید. ارتش توده ای بطور کلی باین پرسنسیپ مائوسه دون در باره جنگ پارتیزا نی اکتفا دارد " دشمن حمله میکند، ما عقب می نشینیم، دشمن توقف مینماید، ما به ایذا او میرد از بیم در شمت فرسوده میشود، ما بحمله دست میزنیم، دشمن میگریزد، ما او را تعقیب میکنیم".

... در زمان کنونی خلق دلاوری و شجاعت بیش از یانصد هزار سپاهی امریکارا در تنگنا قرار داده و تاکنون بیش از سیصد هزار نفر متجاوز امریکائی و دست نشاندگان آنها را از کار انداخته است. ضرباتیکه در حمله تعرضی اخیر خلق و ارتش ویتنام به متجاوزین وارد آمده بینهایت توان فرسایده است. همچنین ارتش میهن پرست لائو بامریکائیان و دست نشاندگان شان ضربات نیرومندی وارد میاورند. آتش انقلاب در تایلند نیز هر روز زیاده بیشتری میکند. خلقها بسیاری از نواح آسیا نیز مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم امریکا و دست نشاندگان شان میبرازند. امپریالیسم امریکا که نتیجه های خود را بجهت جادراز کرده ناکزیر لبتار عمل را در برابر خلقهای جنوب شرقی آسیا از دست داده است. بطوریکه دیگران از اوضاع و احوال برنمایند. چنانچه خلقهای تمام آن کشورها تیکه تحت استیلا متجاوزین امریکارنج میبرند با یکدیگر متحد باشند، به میدان جنگ توده های در کشور خود در آیند، اعمال خود را با یکدیگر یترنطبق سازند و یکدیگر کمک رسانند، میتوانند با امپریالیسم، بایز هیولا ضربه زنند، او را قطعه قطعه سازند، یکی برسراوضربه میزنند و دیگری پای او را میبرد.

مبارزه مسلحانه خلق تایلند نیز تحت رهبری حزب کمونیست به پیروزی نامل خواهد کرائید. خلق تایلند با وجود تمام مصائب و دشواریهاییکه در راه انقلابش قرار دارد، سرانجام امپریالیسم امریکا و مترجمین داخلی را سوکوب خواهد کرد. بشروط آنکه پرچم سرخ مارکسیسم - لنینیسم و آموزش مائوسه دون را افراشته نگاه دارد. بجنگ توده ای طولانی ادامه دهد. پیروزی نهائی خلق قهرمان تایلند حتمی است. زیرا او در ادامه جنگ توده ای غولانی مصمم است.

تلخیص از روزنامه ژین مین ژیاو

منطقه توفانها

مناطق پهناور آسیا، آفریقا، امریکای لاتین مناطق هستند که در آنها تضاد های کوناگون جهان کنونی تمرکز یافته و اینجهت ضعیف ترین حلقه تسلط امپریالیسم و منطقه عده توفان های انقلاب جهان را تشکیل میدهند که ضربات مستقیم بر امپریالیسم وارد میآورد.

جنبشهای انقلابی دموکراتیک در این مناطق و جنبش جهانی انقلاب سوسیالیستی، در جریان عظیم تاریخی عصر ماست.

انقلاب ملی و دموکراتیک در این مناطق بخش مهم ولایتک انقلاب جهانی پرولتاریائی عصر ماست.

از سن ۲۵ مادی پیشنهادی حزب کمونیست چین در باره شی عمومی جنبش جهانی کمونیستی

سیم خلیج سیاه پرچمهای سرخی را که بر فراز جبال پوسان افراشته گشته اند بحرکتد رمیاورد. وضع کنونی مبارزه مسلحانه خلق تایلند که تحت رهبری حزب کمونیست این کشور قرار دارد بسیار مساعد است و هر روز مساعدتر میشود.

بیش از دو سال پیش اولین جرعه مبارزات مسلحانه انقلابی خلق تایلند بتجدلی درآمد. از آن هنگام تا کنون آتش انقلاب با سرعت زیادی در تمام جهات بسط مییابد. اکنون آتش مبارزات مسلحانه انقلابی در ۲۹ ایالت از ۷۱ ایالت کشور درگیر شده است.

هر روز ارتش توده های خلق تایلند ابتکار عمل بیشتری بدست میآورد. در این مدت بیش از دو سال هشتصد مصاف صورت گرفته و در حین آن تقریباً ۲۰۰۰ نفر از سپاهیان دشمن از دار افتاده اند.

علتشند سریع و وسیع موقعینا انقلابی در تایلند را بایستی بتنهائی در آن جست که حزب کمونیست تایلند پرچم مارکسیسم - لنینیسم و آموزش مائوسه دون را بر افراشته است و بر آنست که شهرها را از طریق محاصره نماید، قدرت سیاسی را باکک اسلحه بدست آورد و استرا تژی و تاکتیک رفیق مائوسه دون را در مورد جنگ پارتیزانی بسا انطباق با شرایط ویژه تایلند بکاربرد.

رفیق مائوسه دون بما آموخته است که "نیروی عده جنگ در توده های مردم نهفته است".

حزب کمونیست تایلند از همان روز نخست به بسیج روستائیان پرداخت و در آن راه نوشید که مبارزه ملحانه را در روستا آغاز کند، حزب کمونیست نیروهای مسلح کارگران و گروههای تبلیغاتی خود را بعرضه روستاها فرستاد که بکار تبلیغاتی و تسلیم توده ها بپردازند و برای آنان روشن سازند که تجاوز امپریالیسم امریکا و جنایات ارتجاع داخلی تاجه حد وحشیانه است. گروههای تبلیغاتی مذکور روستائیان را برای اخراج جاسوسان و اربابان ازده و مجازات آنان بحرکت در میآوردند و در آن نقاطیکه موقعیت آماده است پایگاه های انقلابی برپا میسازند. اکنون روستائیان در بسیاری از نقاط شمالی و جنوبی بسیج گردیده اند. ارتش توده های با اکتفا بپیروی توده ها در هر لحظه میتواند اطلاعات لازم را بدست آورد و در حال آزادی بحرکت در آید. مترجمین امریکائی و تایلندی تا کنون به محاصره ها و "تصفیه های" کوناکونی دست زده و بوحشیانه ترین تاکتیک های جنگ متوسل گردیده اند تا بتوانند مبارزات مسلحانه را سرکوب کنند. ولی ارتش توده ای آنها نابود شده بلکه روز بروز پیروزیهای جدیدی نائل آمده است.

... بگفته رفیق مائوسه دون "سپاهیان ارتش توده های بایستی برانند و شوند برای آنکه توده ها را بجنبش وادارند و مجتمع شوند برای آنکه با دشمن مواجه گردند". ارتش توده های تایلند نیز نیروی خود را برای مشکل ساختن توده ها وسیع آنها در روستاها پراکند میسازد و سپس آنها را برای محاصره دشمن، برای حمله بسا کاهها و انفجار روستا ثل نقلیه آنها مجتمع میگرداند. تمام این اعمال با چنان تحرک و عشیاری انجام میگیرد که دشمن هیچگاه نمیتواند جلوی و تابع غیرضربه را بگیرد. ارتش توده ای میتواند در هر تیرد مشخص تعداد بیشتری سپاهی جمع کند و بدین ترتیب بدشمنی که در مجموع بسیار نیرومند تر از اوست ضربات هائفرسائی وارد آورد، نیروی دشمن را

در جبهه نبرد خلق های عرب

پس از نبرد **کرمه** کفدائیان فلسطینی ضربه سختی بر ارتش تجاوز اسرائیل وارد ساختند. ابوعامر فرمانده سازمان نظامی الفتح در مصاحبه با خبرالاهرام چنین اظهار داشت: "مبارزه مردم فلسطین بر علیه اسرائیل در طی جنگ توده ای همگانی گسترش خواهد یافت. پارتیزانهای الفتح در تیرد اخیر در کریمه در برابر ۱۵۰۰۰ اسرائیلی تجاوزکار قهرمانی بزرگی نشان دادند".

این نظریه کاملا درستی است که از واقعیت اوضاع خاور میانه سرچشمه میگیرد. دولت اسرائیل که ساخته و پرداخته امپریالیستها، خلقهای عرب را مورد تجاوز قرار داده و دهها هزار فلسطینی را از میهن خویش آواره ساخته است. حقانیت خلقهای عرب با آنها نیروی شکست ناپذیر میبخشد. خلقهای عرب روز بروز بیشتر باین حقیقت پی میبرند که در برابر مهاجم بیرحمی که منطبق دیگری جز زورندارد حقانیت را فقط با زور میتوان بکرسی نشانید. کسانی که خلقهای عرب را به بن بست انتظار و مداره میکشاندند رواقع با اسرائیل و با امپریالیسم خدمت میکنند. پارتیزانهای عرب بخوبی دریافته اند که نیروی واقعی در جانب آنهاست. در جانب سلاحهای مد رن اسرا - ئیلی ها. امروز همه میبینند که بزرگترین نیروی نظامی جهان امپریالیستی با تمام اسلحه آخرین سیستم خود در برابر ارتش انان های ویتنام جنوبی بزانو در آمده است. این نمونه الهام بخش بزرگی براد همه خلقها و از آنجمله خلقهای عرب است. هم اکنون ضرباتیکه در ماه های اخیر از طرف فدائیان فلسطینی بر ارتش اسرا - ئیل وارد آمد ما ز لحاظ قدرت و تاثیر خود متجاوزان اسرائیلی را در حیرت و وحشت فرو برده است. بدون تردید این ضربات هر روز نیرومند تر ویرد امنتر خواهد شد و روزی که تجاوزکاران اسرائیلی بیاد جنایات خود برسند دور نیست.

پیروزی مبارزه مسلحانه خلقهای عرب بر ضد اسرائیل و پشتیبانان امپریالیست او.

صد و پنجاهمین سالگرد شکوهمند ولادت

کارل مارکس

صد و پنجاه سال از ولادت کارل مارکس، نابغه‌ریزی که باید تولد وی انقلابی بی‌ولتری از او فریاد ریگانگلس سرچشمه گرفته است میگذرد. مشهورترین نشانه عظمت مارکس پیروزیهای عظیمی است که در عرصه جهان در زیر پرچمی که او افراشت نصیب طبقه کارگر و خلقهای جهان شده و میشود.

ما بنام ستاین سالگرد پرشکوه و سخنانی از لنین را درباره مارکس نقل میکنیم:

"مطلب عمده در آموزش مارکس، توضیح چگونگی نقش جهانی و تاریخی پرولتاریا به مثابه ایجادکننده جامعه سوسیالیستی است. آموزش مارکس خصوصاً و کینه عظیم تمام علم بورژوازی (چه فرمال و چه لیبرال) را که به مارکسیسم به مثابه چیزی شبیه یک "طریقت صالحه" مینگرد در تمام جهان تمدن علیه خود بر میانگیزد. روش دیگری هم نمیتوان انتظار داشت. زیرا که در جامعه ای که بنای آن بر مبارزه طبقاتی گذاشته شده است هیچ علم اجتماعی "بی عصبی" نمیتواند وجود داشته باشد، بهر تقدیر تمام علم فرمایشی و لیبرال مدافع بردگی مزدور و بیست و مارکسیسم علیه این بردگی و جنگ بی‌امان او را اعلام نموده است. انتظار اینکه در جامعه بردگی مزدوری علم بیغرض وجود داشته باشد ساده لوحی سقییانه و در حکم این است که در مسئله مربوط به افزایش دست مزد کارگران و تغذیل سود سرمایه از کارخانه داران انتظار بیغرضی داشته باشیم. ولی مطلب باین جا خاتمه نمیپذیرد. تاریخ فلسفه و تاریخ علم اجتماع با صراحت نام نشان میدهد که در مارکسیسم چیزی شبیه به "اصول ظریقی" بمفهوم یک آموزش محدود و خشک و جامدی که دور از شاهراه تکامل تمدن جهانی بوجود آمده باشد نیست. برعکس، تمام نبوغ مارکس همانا در این است که بی‌سرسختی پاسخ میدهد که فلسفه و روش قبل از آن مطرح کرده است."

رهائی خلق در... بقیه از ص ۱ را که افشاند فریب‌جویی‌هاست ریشه کن سازند و توده‌ها را با اعمال قهرانقلابی رهبری کنند. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان که در راه احیای حزب طبقه کارگر ایران در عرصه کشور می‌نشیند هدفش سرنگون ساختن رژیم تودنا از طریق قهر آمیز است. از طریق انقلاب مسلح دهقانی برهبری عده کارگرو در وحدت با کینه نیروهای ملی و ضد امپریالیستی ایران. در روز بزرگداشت سیاسی کهن مبارزان خلق را بلند نکند استعدادهای پیروز و مبارزه خلق ایران در راه سرنگونی قهرآمیز رژیم ضد ملی و ضد موکراتیک محمد رضاشاه!

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان
۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۷

یک فتوای رولیزیونیستی

یکی از رولیزیونیستها چنین فتوا داده است:
"در دوران معاصر... منظره اقتصادی جهان سرمایه‌داری بطور جدی تغییر یافته است. بجای کشورهای صاحب مستعمره و مستعمره و نیه مستعمره‌های سابق در اقتصاد سرمایه‌داری در گروه کشور بوجود آمده‌اند، گروه نخست دولتهای امپریالیستی هستند که با همه وسائل سعی دارند مستعمرات سابق را کماکان در منطقه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود حفظ کنند. گروه دوم کشورهای در حال رشد اند که سعی دارند به استقلال خود تحکیم بخشند و با استقلال اقتصادی از امپریالیسم نائل آیند."
مجله دنیا شماره ۳ سال ۱۳۴۶ صفحه ۱۱۵

مطابق این فتوای رولیزیونیستی، در جهان امروز نه کشور صاحب مستعمره وجود دارد، نه کشور مستعمره و نه کشور نیه مستعمره. اینها مفولاتی است مربوط به دوران سابق. آيا بهتر از این هم میشود امپریالیسم را آرایش داد؟ آیا بیشتر از این هم میتوان به مارکسیسم خیانت کرد؟

"علت قدرت بی انتهای آموزش مارکس در درستی آن است. این آموزش، کامل و موزون بوده و جهان بینی جامعی با افراد میدهد که با هیچ خرافاتی، با هیچ ارتجاعی و با هیچ حمایتی از ستم بورژوازی آشتی پذیر نیست."

"فلسفه مارکس، یک ماتریالیسم فلسفی تکمیل شده‌ایست که سلاح متد معرفت را در اختیار بشر و بخصوص در اختیار طبقه کارگر گذارده است."

"مارکس، سیر تکاملی سرمایه داری را از اولین نطفه‌های اقتصاد کالائی و از ساده‌ترین تا بالاترین شکل‌های آن یعنی تولید بزرگ، مورد پژوهش قرار داده است و تجربه کینه کشورهای سرمایه داری، اعم از شورهای قدیم و جدید، صحت این آموزش مارکس را سال بسال بعد از زیاده تری از کارگران آشکارا نشان میدهد."

سرمایه داری در سراسر جهان پیروز شد. ولی این پیروزی فقط پیش درآمد پیروزی کارگر سرمایه است."
"نبوغ مارکس در این است که او اولین کسی بوده که توانست نتیجه‌ای را بدست آورد که تاریخ جهان آنرا میاموزد و توانست این نتیجه را بطوری پیگیر تعقیب کند. این نتیجه، آموزش مربوط به مبارزه طبقاتی است... برای درهم شکستن مقاومت این طبقات (طبقات فرمانروا - توفان) فقط یک وسیله وجود دارد: باید در همان جامعه ای که ما را احاطه نموده است آن نیروهای را پیدا کرد و برای مبارزه تربیت کرد و سازمان داد که میتوانند - و بر حسب موقعیت اجتماعی خود باید - نیروی را تشکیل بدهند که قادر باشد ام کهن و آوردن نمایند. فقط ماتریالیسم فلسفی مارکس بود که راه بیرون آمدن از بردگی معنوی را که تمام طبقات ستم‌دیده ناشون در آن سرگردان بودند به پرولتاریا نشان داد. فقط تئوری اقتصادی مارکس بود که وضعیت واقعی پرولتاریا را در تمام عمومی سرمایه داری تشریح کرد."

"پرولتاریا در جریان مبارزه طبقاتی خود پرورش یافته و آگاه می‌شود، از موهومات جامعه بورژوازی آزاد میگردد، سپس از پیس بهم پیوسته میشود و میاموزد که چگونه درجه موفقیت‌های خود را مورد سنجش قرار دهد، نیروهای خرد را آید بده میشود و بطور مقاومت ناپذیری رشد و نمو میابد."

سرمایه داری در سراسر جهان پیروز شد. ولی این پیروزی فقط پیش درآمد پیروزی کارگر سرمایه است."
"نبوغ مارکس در این است که او اولین کسی بوده که توانست نتیجه‌ای را بدست آورد که تاریخ جهان آنرا میاموزد و توانست این نتیجه را بطوری پیگیر تعقیب کند. این نتیجه، آموزش مربوط به مبارزه طبقاتی است... برای درهم شکستن مقاومت این طبقات (طبقات فرمانروا - توفان) فقط یک وسیله وجود دارد: باید در همان جامعه ای که ما را احاطه نموده است آن نیروهای را پیدا کرد و برای مبارزه تربیت کرد و سازمان داد که میتوانند - و بر حسب موقعیت اجتماعی خود باید - نیروی را تشکیل بدهند که قادر باشد ام کهن و آوردن نمایند. فقط ماتریالیسم فلسفی مارکس بود که راه بیرون آمدن از بردگی معنوی را که تمام طبقات ستم‌دیده ناشون در آن سرگردان بودند به پرولتاریا نشان داد. فقط تئوری اقتصادی مارکس بود که وضعیت واقعی پرولتاریا را در تمام عمومی سرمایه داری تشریح کرد."
"پرولتاریا در جریان مبارزه طبقاتی خود پرورش یافته و آگاه می‌شود، از موهومات جامعه بورژوازی آزاد میگردد، سپس از پیس بهم پیوسته میشود و میاموزد که چگونه درجه موفقیت‌های خود را مورد سنجش قرار دهد، نیروهای خرد را آید بده میشود و بطور مقاومت ناپذیری رشد و نمو میابد."

رسالت تاریخی

در سراسر مملکت و خلقهای ستم‌دیده آسیا، آفریقا و امریکای لاتین وظیفه مرم مبارزه علیه امپریالیسم و ستم‌پاران آن قرار دارد. تاریخ با جزایر پرولتری این مناطق رسالت پرافتخاری را محول کرده است و آن اینکه پرچم مبارزه علیه امپریالیسم و علیه استعمار نوکینه پرچم استقلال ملی و موکراسی توده‌ای را افراشته نگاهدارند، در نخستین صفوف جنبش انقلابی ملی و موکراتیک جای گیرند و بدافع آینه سوسیالیستی مبارزه نمایند.

از سنده ۲۵ ماده‌ای پیشنهادی حزب کمونیست چین در باره جنبش عمومی جنبش جهانی کمونیستی

جنبش خرد در ماه بقیه از ص ۱ مانند دشمن خود مسلح شوند، آدم‌کشان را بکشند، بسرنیزه یا سرنیزه بوابگویند، خانه‌ها را با بمب‌ها بمباران کنند، نوامیس طبیعت را نقد بزنند، کاری هودنات مرتکب شده‌اند، لطافت و نزاکت و هنر را جریحه‌دار ساخته‌اند! محمد رضاشاه مدعی شد که جنبش عظیم خرد در ماه تشنجات عناصر عقب مانده بوده و بتحریر روحانیون مرتجع صورت گرفته است. کویانپخت آن ده‌ها هزار نفری که در مدتی بیش از یک هفته جان برگ نهاده با سرنیزه‌ها و تانکها محمد رضاشاه درگیر شدند، بدافع آن بود که ارضی مالکان بزرگ دست نخورد بماند و بزنان حبیبی رای داده‌شود. امپریالیست‌ها برای محمد رضاشاه گذردند و رولیزیونیست‌ها در سراسر کشورهای سابقاً سوسیالیستی این اتهامات بی‌شماره را بی‌شماره تکرار کردند. روزنامه ایزوستیا (ارتان دولت شوروی) در ۲۷ خرداد (۸ ژوئن) که هنوز خون شهیدان از حیایانها پاک نشده بود قلم‌آلود محدود را بسوی آنها نشان فرست و چنین نوشت: در تهران، مشهد، قم و ری "بتحریر عده‌ای از روحانیون مرتجع مسلمان آشوب و بلوائی برپا شد. آشوب طلبان برای مبارزه علیه اصلاحات ارضی دولت از ایام سوگواری مرسوم مذهبی... استفاده کردند... عده‌ای از جوانان متعصب عقب

وظائف حزب

حزب طبقه کارگر باید بطور مستقل برنامه‌ای اعلام کند حاکی از نبرد بی‌میل علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و مبارزه در راه استقلال ملی و موکراسی توده‌ای، حزب باید در میان توده‌ها مستقل فعالیت کند. نیروهای شرقی را پیوسته افزایش دهد نیروهای بینابینی را بسوی خود جلب نماید، نیروهای ارتجاعی را منفرد سازد. فقط از این راه حزب میتواند انقلاب ملی و موکراتیک را تا پایان دنبال کند و آنرا در راه سوسیالیسم سوق دهد.

از سنده ۲۵ ماده‌ای پیشنهادی حزب کمونیست چین در باره جنبش عمومی جنبش جهانی کمونیستی

افتاده چند معازر عارت و چند اتوبیل را واژگون کردند. مجله شوروی بنام "عصر جدید" اینطور مکتب‌شاه آمد: "حمیسی و دست یارانش... مؤمنین را بر علیه دولت برانگیخته... اصلاحات اجتماعی را که اخیراً اعلام شده است و مخصوصاً واگذاری حقوق مساوی بزنان را بهانه کردند. در اثر تبلیغات آنها آنها که از تعصب دور شده‌اند بخوابان ریختند... کسی که در مقاله عصر جدید بعنوان برانگیخته "تعصبات کور" و مخالف "اصلاحات اجتماعی" معرفی شده همان است که امروز رولیزیونیست‌های ایران را از او بعنوان "آیت اله آقای خمینی" یاد میکنند و در انتشار اعلامیه‌های او برد یکران پیشی میجویند. آن روز رولیزیونیست‌ها ایران بدنیان بد آموزان شوروی خود، بجای آنکه ماهیت امر و جنبه طبقاتی جنبش را ملاک قرار دهند، رنگ مذهبی برخی از تظاهرات را پایه قضاوت قرار داده نتیجه گرفتند که "جهل مردم یکی از عوامل این حادثه بوده است"، "مشخصه این جریان آتش زدن نیوسکها بوده است". اتهام ارتجاع و امپریالیسم و رولیزیونیسم برجسته خرد در ماه از نوع همان اتهاماتی بود که امروز سیاهترین نیروهای ارتجاعی برجسته سیاهان امریکا و جنبش پرولتاریا در انجمن آلمان وارد میسازند. عده‌ای از روحانیون تهران در اعلامیه خود بدستی تذکر شدند که "اگر راست باشد در حوادث اخیر کتابخانه سوخته باشد... شابخانه کسی آنتز میزند که چترای و سرباز بدانشگاه میفرستد و تا میتواند میکشد و خراب میشد و سرمایه‌های علمی را نابود مینماید و استادان و دانشجویان را بزدان میفرستد و شکنجه میدهد."

هنوز انعکاس صدای گلوله‌های ملت کش محمد رضاشاه در فضای ایران خاموش نشده بود که سفیر "حسن نیت" رولیزیونیست‌های شوروی در مهمانی وزارت خارجه ایران با کارگردانان رژیم ایران جاپزد و ستانه سلامت "اعلیحضرت شاهنشاه رئیس مملکت ایران" را آرزو کرد. و ماه بعد بموجب قرارداد "همکاری فنی و اقتصادی" مبلغ ۲۷۰ میلیون تومان بدولت محمد رضاشاه وام اعتبار داد.

از او شنیدن نامشروع همه جا مرتجعان و امپریالیست‌ها و رولیزیونیست‌ها بدینهمه روزی با جنبش خرد را مامور ساختند و دست درخیم ایران را صمیمانه فشردند: و خلق ایران همه آنها را بشابه دشمنان خویش باز شناخت.
جنبش خرد در ماه از جهت نقایص خود نیز برای مبارزان راه موکراسی و سوسیالیسم حاوی درسهای گران بهائی است. این جنبش رهبری نداشت و با دهقانان در پیوند نبود. این جنبش فقط در شهرها محل تمرکز قوای دشمن است برپا شد و از این جهت در ضربات متمرکز دشمن قرار گرفت و بدون آنکه بتواند از نیروی عظیم دهقانان مدد گیرد. این جنبش بار دیگر حکم مارکسیستی - لنینیستی را تأیید کرد که بدون حزب طبقه کارگر که رهبری مبارزه را در دست گیرد، پیوند طبقه کارگر را با سایر زحمتکاران و با کینه طبقات و فترهای موکراتیک و بویژه با دهقانان برقرار نشد و استحکام بخشد. بر اساس مبارزات قهرآمیز خود پایگاههای انقلابی در روستا بوجود آورد، نهضت را از پیچ و خمها بگذراند و از هرگونه سستی و تسلیم طلبی محفوظ نگه‌دارد، تحقق آمال خلق ایران در سرنگونی رژیم تودنا و ریشه کن ساختن آن غیر ممکن است. خاطره جنبش خرد در ماه را گرامی بداریم.
از جنبش خرد در ماه بیاموزیم.
در راه احیای حزب طبقه کارگر در صحنه ایران به پیش روییم.

سخن دانشجویان

سخن زیرین خلاصه نامه‌ایست که از طرفه‌های اثر دانشجویان ایرانی خطاب به سفیر جدید ایران در آن نوشته شده و در نوشتن آن برای روزنامه توفان فرستاده شده است.

آقای افشار

شاید بهتر میبود که این چند ورق پراشنگ یک نامه سرکشاد مخاطب به شما بجا میسرساندیم. ولی از آنجا که ناگهان بهیچیک از نامه‌های سرکشاد پاسخی داده نشده موما امید انیم که شما هم جواب ندهد و اگر آشتی باشید از ترس سازمان امنیت قان ربا بر آزان نخواهید بود، بدین جهت بحاضر روشن نمودن افکار هموطنان، شما را بعنوان سنبیل مخاطب قرار میدهم.

آقای افشار

... دوره سفارت انابکی چون لکنکی است که هرگز از زمین نخواهد رفت. در این دوره دفاع از زردان و چاقو کشان، بدکاره ها، و - حورده های تحصیلی و جمع آوری آنان بصورت پادوهای طرفدار است و نیز زردی از بودجه سفارت، قروض سنگین ببانکهای اتریش و از همه پیشتر مانع دفاع از فحشا، سکرایج بود ...

در زمان انابکی محلی بنام "خانایران" از طرف سازمان امنیت با بودجه ۳۰ هزار تومان در ماه در روین تاسیس شد. این دکان که شاید صد کتاب ارزشمند هبند است و محتوی آن مجموعا شامل مقداری ورق پاره های تبلیغاتی درجه سه میشد و سیلهای کردید که مشول آن در خانه و در ماموریت با باروندیل زیاد و اتومبیل آخر مدل امریکائی شهر روین را ترک کنید ...

در زدی شخرا انابکی را از محل سابق سفارت ایران در روین همسیداننا این مخروبه که بحق میشد آنرا طویل نماید از قرار ماهی ۲۵ هزار شلینگ اجاره شد و مگو با اجاره و وسال آن از قبل پرداخت شده است و حال که سفارت آن محل را ترک نموده و پرونده بدادگاه رفتاست روشن است که سفارت نمیتواند مبلغ ۶۰۰ هزار شلینگ مال الاجاره را از صاحبخانه پس بگیرد زیرا که حتما تمام این پول به صاحبخانه پرداخت نشده و لاقط نیمی از آن بیکه انابکی رفته است.

سازمان امنیت همیشه ناظر و شریک امور سفارت بوده و آنرا کنترل مینموده است ...

آقای افشار

ناید برای شما نیز این سوال مطرح شده است که چرا اکثریت دانشجوی مخالف حکومتی که شما نمایندگی آنرا دارید هستند؟ در ضمن اینکه در لندن خونریزیست عدای در سفارت طواصیف میکنند. باید گفت که این در لحوش کردن امری عبتاست. فی المثل اگر خواهیم تحقیقی کوتاه

نموداری از سخنان اپورتونویستی



لنین کبیر میگفت: اپورتونویست "بآسانی هر فورمولی را امضا میکند و بآسانی هم عقب نشینی مینماید. زیرا اپورتونویست همانا عبارت است از فقدان اصول متین و ثابت."

برای اینکه صدق روشنی از این حکم لنینی بدست داده باشیم در عبارت از یک مقاله یک روزیونویست ایرانی را از جمله "مسائل بین المللی" (از نشریات روزیونویستهای حزب تودهایران) شماره ۶۱ سال نقل میکنیم عبارت اول از صفحه ۱۲ و عبارت دوم از صفحه ۱۳:

عبارت اول:

"این تعبیر مثنی سیاسی زمامداران ایران هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوی امری مثبت است. باین جهت حزب ما بر آن است که باین تعبیر مثنی سیاسی، علی رغم انگیزه های ذهنی رژیم، بتحکیم استقلال سیاسی کشور و کسب استقلال اقتصادا کمک میکند."

عبارت دوم:

"این تغییرات ... در چهارچوب حفظ منافع عمده مالکین و انحصارهای امپریالیستی انجام میگردد." از این دو عبارت ارتباطا یکدیگر چنین نتیجه میشود: تعبیراتی که در چهارچوب حفظ منافع عمده مالکین و انحصارهای امپریالیستی انجام میگردد هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوی امری مثبت است.

در مورد افرادی که پیشوا شاه رفتند بنمائیم اول باید آن عد مرا نثار کردیم که هیچگونه موافقتی باشاه و حکومت او ندارند و فقط در اثر ترور و وحشتی که نوکران سفارت در آن ایجاد نمودند بودند به پیشوا رفتند و سر آزان فقط ... ارافل و چاقو کشها و زردان ... میانند و ...

اما اینکه چرا غالب دانشجویان مخالف دستگاه میباشند. شما خود خوب میدانید اکثریت مردم کشوری که شما از آن میاید در فقر و فاقه بسر میبرند. مرض بیسواری و کرسنگی امری عادی تلقی میشود. نان در حقان خوزستانی از آرد هسته خرما و بلوط جنکی است. دانشجویانیکه معرفت انسانی آنان در چارغده های چرکین و کسب خود خواهی هوس و ترس نشده است باین وضع اعتراض دارند.

در ایران این آزادی وجود دارد که از اوضاع تحسین شود و لایعیر. کند و زنجیرو شکجهای "ساواک" در انتظار چشم واقع بین و زبان حق گوشت. مردم حتی باید بزور ایامی مثل ۲۸ مرداد و آبان و روزهای ننکین نظیر جشن بگیرند و ظاهری شادمان بخود دهند. بداندناحتی اجازه سکوت هم داده نمیشود. شامناجنگار میکند پول ملیونها هموطن کرسنه مارا فدای جنون تجمل پرستی خود مینماید در حالیکه در همین جنوب تهران کودکان معصوم وطن ما آواره و سرگردان، مریض و گریانند. بیماران در پشت در بیمارستانهای دولتی صفوی طولی را تشکیل میدهند.

برای جفمنامه در کاخ اختصاصی مدرسه ساخته میشود ولی پشت در دانشگاهها هزاران انسان با انتظار ایستاده اند. مغایر نظامی قسمت اعظم بودجه ضعیف مارا میبلعد در حالیکه بودجه فرهنگ ۷ درصد و بودجه بهداشت ۵ درصد از بودجه کل میباشد.

احزاب رنگارنگ شما ساخته و سازمانند علف هرزه سبز میشوند که چیزی جز رنگهای گارچاق کی نیستند. در حالیکه زندانیهای سیاسی ایران بر این بهترین فرزندان وطن ماست.

اینها آنطور که شما یک بار گفتاید منفی بافی نیست بلکه واقعیت عریان است.

بالا رفتن چند ساختمان در طبقه یابیشتر، آن هم از محل زدی مال ملت دلیل پیشرفت یک کشور نیست. آیاملت ایران فقط نایب السلطنه و ولیعهد کم داشت؟ و حال دیگر همه چیز ترن کمیل شده است؟ اگر شما برون اینک تحت تاثیر سازمان امنیت قرار بگیرید و اگر یک بار فقط یک بار بتوانید آزادانه بیاندیشید، درخواهید یافت که نه تنها دانشجویان بلکه هر انسانی که وجدان سالمی داشته باشد نمیتواند بآنچه که در ایران میگردد بی اعتنا باشد و آنرا تأیید کند ...

بامید سرنوشتی رژیم فاسد و نوکر استعمار در ایران عدای از دانشجویان ایرانی

اعلامیه گمنامیهای انقلابی

شوری

این اعلامیه که از طرف گمنامیهای انقلابی بلشویک شوروی به طور مخفی انتشار یافته و از اسناد مهم جنبش گمنامی جهانی است از طرف سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ترجمه و طبع شده است.

ما خوانندگان خود را باطالعاه این سند پر از ترس دعوت میکنیم.

بها: معادل چهل ریال

نشریات دیکرتوفان:

۱ - سبک ذهنی در تفکر و عمل

۲ - آموزش خود را از نوع بسازیم

۳ - اصول مقدماتی فلسفه

بهای هر یک معادل چهل ریال است.

نشریات فوق را از روزنامه توفان بخواهید.

مهمترین تجربه جنبش گمنامی جهانی چنین است.

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به

وجود حزب انقلابی پرو لتری است.

از سند ۲۵ ماده ای پیشنهادی حزب گمنامیست چین در باره مثنی عمومی جنبش جهانی گمنامی

حزب انقلابی

باید حزب انقلابی داشت. باید آنچنان حزب انقلابی داشت که بر اساس مثنوی انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و سبک انقلابی مارکسیسم - لنینیسم بوجود آمده باشد. باید آنچنان حزب انقلابی داشت که بتواند حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم را با ایرانیک مشخص انقلاب در کشور خود در آمیزد.

باید آنچنان حزب انقلابی داشت که بتواند بین رهبری و توده عظیم مردم پیوند محکم برقرار سازد؛ باید آنچنان حزب انقلابی داشت که بتواند از حقیقت دفاع کند، باصلاح اشتباهات بپردازد و بانتقاد وانتقاد از خود دست زند.

از سند ۲۵ ماده ای پیشنهادی حزب گمنامیست چین در باره مثنی عمومی جنبش جهانی گمنامی

بسیار زمان توفان ... بقیه از ص ۶ تحقیق پذیرد. در دنیای واقعیات، افراد یک سازمان ولو آنکه جهان بینی آنها مارکسیستی - لنینیستی باشد نمیتوانند بر سر مسایل مبارزه، هر چه باشد اهمیت این مسائل، دید متفاوتی داشته باشند و در نتیجه افکار و اندیشه ها متضادی در درون سازمان ابراز شود. این پدیده بهیچوجه غیرعادی نیست؛ از آن نباید احتراز جست؛ از هر روز آن نیز نمیتوان جلوگیری کرد.

بر اثر همین برخورد افکار است که سازمان میتواند صحیح را از سقیم و درست را از نادرست باز شناسد و در هر کار مثنی صحیحی در پیش گیرد. بر اثر این برخورد است که سرانجام، سازمان وحدت تفکر پیش میاید و کثرت بوحدت بدل میشود؛ بر اثر تضاد درون سازمان است که سازمان رشد و تکامل مییابد. اینها هم مسائل است که هر کس میفهمد تاچهره بد و ستانیکها مارکسیسم - لنینیسم آشنائی دارند.

باید گفت که سازمان توفان سازمانی است مارکسیستی - لنینیستی؛ سازمانی است که مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای اندیشه و عمل خود قرار داده است. رفقای که هم اکنون در این سازمان فعالیت میکنند باید تولوری طبقه کارگر را پذیرفته اند، کسانی هم که باین سازمان میپیوندند، از آنجا که آگاهانه بامدلول سند سازمان تحت عنوان "وظائف عمیر و فوری مارکسیستها - لنینیستهای ایران" و با خط مشی نشریه توفان موافقت دارند باید تولوری طبقه کارگر را مثنی پذیرند. البته کار بدینجا خاتمه نمییذد و نباید هم خاتمه پذیرد در جریان مبارزه انقلابی است که سطح آگاهی افراد سازمان بتدریج بالا میرود و از درون آنها رهبران و کارهای طبقه کارگر بر میرون میآید. سازمان توفان موظف است افراد خود را با روح مارکسیسم - لنینیسم پرور کند. رفقای سازمانی نیز وظیفه دارند آشنائی خود را با مسائل مارکسیسم - لنینیسم هم در سطح وهم در عمق کسترش دهند تا براد ایجاد جنبش انقلابی مجهز بشود انقلابی باشند، بدون شک سازمان توفان مجمعی از "متحرین" در مارکسیسم - لنینیسم نیست. معذک این امر مانع آن نمیشود که این سازمان سازمان مارکسیستی - لنینیستی باشد. ما افراد سازمان هرگز نمیکه آن نیستیم که بانثوری مارکسیسم - لنینیسم آشنائی کامل داریم. ولی این را میتوانیم بگوئیم که از دل و جان بآن مؤمن و وفاداریم.

سازمان توفان بییقین همان سازمانی است که تمام مارکسیست - لنینیست ها، همه هواداران طبقه کارگر باید بدان بپیوندند و این سازمان را در راه احیاء حزب طبقه کارگر ایران و رهائی خلق ایران یاری رسانند.

عنوان مکاتبات: X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D'ADDA/ITALY حساب بانکی: CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

نقشه و آدرس

روزنامه توفان بانکیه بر بنیروی خود بریاست. انتشار هر شماره را باین روزنامه با معاد شواربهای فراوان در صورت، هر کس که مادی شما قدمی در راه توفان است، از هر کسکی هر چه قدر کوچک باشد خود داری نورزید. ما سفارصعلت وضع حاضر توفان اخذ آموغانا نماز طریق عادی میسر نیست. مبلغ بونمان و اعانه خود و سایر رفقا و دوستان راستقیما بچسب بانکی توفان بریزید و یا از طریق دیگر ما برسانید. بهای تک شماره توفان در ایران و در بیال در ترکیه معادل دو ریال و در سایر کشورها معادل دو ریال است. بهای اشتراک سالیا توفان معادل صد ریال آ.

به سازمان توفان

بپیوندیم

بررسی تحارب گذشته نهضت انقلابی ایران، جمعیتی این تجار و آموختن از گذشته‌ها و وظائف مارکسیست - لنینیست هاست. بررسی حیات و فعالیت حزب تودما ایران، حزبی کمزمانی بزرگترین حزب داور میانه بود و در صحنه سیاسی ایران نقش برجسته ای ایفا می نمود، ارزیابی علمی جوانب مثبت و منفی این حزب برای کارآیند انقلاب ایران بدون شک آموزنده و لازم است. این بررسی در همین حال نمیتواند و نباید بحزب تودما ایران محدود و محصور گردد و نیروهای انقلابی دیگر ایران را در برنگیرد. اینها همه نکاتی است که در صحنه آنها میتوان تردید داشت.

معدن کسانی یافت میشوند که آغاز هرگونه فعالیت سازمانی را که باید هر چه زودتر در جمهوری ما احیا کردیم. حزب غلبه کارگری را در بدوین بررسی عمیق و تفصیلی تمام جوانب گوناگون فعالیت حزب تودما ایران، غیر ممکن می شمارند. اینها برای عقیده ما ندانند که دست باید بتجزیه و تحلیل گذشته پرداخت، آن هم آنگونه تجزیه و تحلیلی که همه مارکسیست - لنینیست های ایران بر آن صحنه گذارند و سپس فعالیت سازمانی را آغازین گرفت. اما چه کسی باید بتجزیه و تحلیل گذشته بپردازد و تجارب آنرا جمع بندی کند و چگونه مارکسیست - لنینیست های ایران باید بر سر نتیجه آن توافق کنند؟ معصومیت - عجب تر آنکاین دوستان حاضر نیستند در تحقق امر که این اندازه بدان ابراز علاقه میکنند خود پیش قدم گردند. یا لاف کسکی کنند، سهمی داشته باشند. این مطالبه ایست که پیوسته در یگران دارند و هر قدر مثبتی را باین بهانه تخطئه می کنند و این شیوه تفکر از جانب هر کس باشد بسود آن نیروها نیست که نمیتوانند حزب طبقه کارگر را در ایران احیا کرد، نیروی و در راه مقابله با پیر رود، این شیوه تفکر در وجه اول بسود رویزیونیست هاست که میخواهند یکنواختی از آن باشند و نشان دهند که مارکسیست - لنینیست ها از احیا هر گونه سازمان، ناتوانند. اگر مارکسیست - لنینیست ها بد سال این شیوه تفکر بیرون میتوان یقین داشت که راهبردی نخواهند برد و تحلیلی از گذشته حزب تودما ایران داده خواهد شد و به بحر و وجود چنین تحلیلی^{۴۵} مارکسیست - لنینیست ها حوا نواست بر سر آن توافق کامل برسد.

سازمان ما با اعتقاد واضح بتجربه اندوزی از گذشته کوشید هاست در زمینه چند مسئله اساسی تحلیلی کلی بدست دهد و آنرا هر در دست تحت عنوان "وظائف مبرم و فوری مارکسیست ها - لنینیست های ایران" در معرض افکار عمومی بگذارد و از همه عناصر انقلابی بخواهد که نظریات خود را در مورد آنها ابراز دارند. اگر اشتباه یا نقصی در آن مبینند بنا بر وظیفه انقلابی خود سازمان تذکر دهند ما اکنون، بی بار دیگر از این دوستان مارکسیست - لنینیست می خواهیم که ما را در این وظیفه ای که بر عهده گرفته ایم یاری کنند و حتی در زمینه تحلیل مسایل گذشته نهضت کمونیستی ایران نظریات خود را در اختیار سازمان ما بگذارند تا سازمان از آن بهره گیرد. بدیهی است ما خود نیز در آینده خواهیم کوشید هر بار که امکانی پیش آید و تا آنجا که معلومات تجربه ما اجازه میدهد بد تحلیل مسایل گذشته نهضت بپردازیم. ولی بنظر ما فعالیت سازمانی را بیهانه اینکه هنوز تحلیلی از گذشته حزب تودما ایران بعمل نیامده، موقوف گذارند کارر است اشتباه آمیز و هیچ روی نمیتوان با آن روی موافق نشان داد.

سای نیز معتقد اند که باید در همه مسایل و حتی جزئیات آنها با سازمان توافق نظر داشته باشند تا بتوانند باین سازمان بپیوندند. فی المثل حتی در نشریه توفان نیز گویا نباید عباراتی ویانندیشه ای تا چه رسد به افکار بیاید که برخلاف میل و نظر آنان باشد. چیزی که آنها حواهان آند وحدت و توافق مطلق در زماندیشه و عملی است ولو آنها این اندیشه و عمل در مسایل جزئی و کم اهمیت باشد. چنین حواسی البته در در محیبه بندار میتواند بقیه در صفحه ۵

تکیه بر نیروی خود

مارکسیست ها - لنینیست ها بر آنند که در کتبه مراحل مبارزه باید بر نیروی خود تکیه کرد، یعنی بر نیروی پیشاهنگان خلق و همه خلق.

اگر درست است که خلق، فقط خلق، سازنده تاریخ است پس هیچ نیروی بالاتر و بالاتر از نیروی خلق وجود ندارد، هیچ تکیه گاهی مطمئن تر از این تکیه گاه نیست.

انقلاب اکبر و ساختمان معجزه آسای سوسیالیسم در شوروی (در عهد قهرمان پرور لنین و استالین، نه در روزگار مسکنت با خر و شجغو شاکر اندر)؛ انقلاب پر فراز و نشیب چین و کامیابیهای شکر و فلفل فرنگی پرولتاریائی آن، حاصل جنگ امپریالیسم شکن و یتنام، همه همه گواه عظمت خلق است، گواه این حقیقت است که دست خلق کره کنای همه دشواریها است، تکیه بر خلق ضامن همه کامیابیهای است. اگر سیاست تکیه بر نیروی خود نبود نه سوسیالیسم در شوروی ساخته میشد، نه انقلاب چین به پیروزی میرسید، نه جنگ ویتنام به این همه افتخار میانجامید.

تکیه بر نیروی خود نه فقط منافق انترناسیونالیسم پرولتری نیست بلکه شرط ضروری آنست. بار خود را به شانه دیگران انداختن، اقلی شدن و بامید ستکیری نشستن، انترناسیونالیسم پرولتری نیست انترناسیونالیست های حقیقی باید در خدمت پرولتاریای جهان "پارشاظر باشند نه بار خاطر".

تکیه بر نیروی خود بآن معنی نیست که خلقها از یاری یکن دیگری نیازند و به یاری یکدیگر وظیفه ندارند. امروز در جهان هیچ حادثه مهمی نیست که در دایره یک کشور و یک منطقه محدود بماند.

هم جبهه خلقها و هم جبهه امپریالیسم دارای جنبه بین المللی است اتحاد جهانی خلقها در مبارزه علیه دشمن جهانی آنها - یعنی امپریالیسم - شرط ضروری پیروزی است. اما اگر هر یک از خلقها متکی بر نیروی خود نباشد جبهه نیز نمیتواند متکی بر نیروی خود باشد. فقط آنگاه که خلقها در مراحل مختلف مبارزه تمام قوای خویش استفاده کنند میتوانند بیکدیگر یاری لازم برسانند. حدود صحیح تکیه بر نیروی خود همانست که رفیق ما توده ون سالها پیش (۱۹۴۵) در این گفتار معین کرده است: "ما بر آنیم که باید بر نیروی خودمان تکیه کنیم. ما امید داریم که از خارج کمک بگیریم ولی نباید وابسته بآن باشیم. ما بر مساعی خود، بر نیروی آفریننده تمام ارتش خود و تمام خلق خود متکی هستیم".

این آموزش بزرگ را سیرانقلاب چین و نهضت انقلابی جهانی نائید کرد. اهمیت آن بویژه آنکه آشکار شد که رویزیونیست ها با غصب مقامات رهبری حزب و دولت شوروی نیروی مادی و معنوی عظیم نخستین کشور سوسیالیستی را بشیوه امپریالیست ها وسیله شانتاژ، تهدید و تطمیع و اسارت احزاب و دول دیگر ساختند و برای آنکه ایدئولوژی و سیاست ضد مارکسیستی - ضد لنینیستی خود را بر جمهوری تودهای چین و جمهوری دموکراتیک آلبانی تحمیل کنند صدها قرار داد را عهد شکنانه از هم ردیدند، صدها طرح ساختمان مشترک را اتمام گذاشتند، و عاقدانه ضربات سنگین بر بنای سوسیالیسم در این دو کشور وارد آوردند. این تجربه تاریخی دردناک نشان داد که آن دو سوسیالیسم که پرولتاریای قهرمان شوروی تحت رهبری لنین و استالین برافراخته و تکیه گاه خلقهای جهان ساخته بود دیگر در آنجا وجود ندارد. خلقهای جهان باید پیش از پیش بر نیروی خود تکیه کنند تا سلاح شانتاژ، تهدید و تطمیع را از دست رویزیونیست ها بگیرند.

درست در همین لحظه و بهمین مناسبت بود که رویزیونیست ها در مدح و ثنای "کمک" های خود کتابها سیاه کرده اند، بتلقین این فکر ضد مارکسیستی پرداختند که گویا هیچ ملتی بدون کمک آنها نمیتواند رسیده، بافترا، بر مارکسیست ها - لنینیست ها دست زند که اینان چون بخلق خویش روی آورده و از رویزیونیست ها روی بر تافتند گویا ناسیونالیست و مخالف انترناسیونال -

نیستند.

این فکر تازه ای نیست. فکری است که پیوسته امپریالیست ها به منظور تامین سیادت خویش و اسارت خلقها تبلیغ کرده اند و اینک رویزیونیست ها با تکیه شوم آنها را از سر گرفته اند.

رویزیونیست های حزب تودما ایران نیز صدای نحیف و ناپهنا را خود را با آواز گروهی رویزیونیست های "در آمیخته و (در روزنامه مردم شماره ۱۳۴۶) فتوا داده اند که "دادن شعار تکیه بر نیروی خود کاری است ارتجاعی زیرا همه در خلق خود و همزیان ساختمان جهانی سوسیالیسم است. این شعار نفی انترناسیونالیسم پرولتری و مظهری است از ناسیونالیسم بورژوازی".

رویزیونیست های حزب تودما ایران در واقع بملت ایران فریاد می زنند: تا رویزیونیست های شوروی انگشت خود را تکان ندهند هیچ کاری از شما ساخته نیست. شما هیچ آید و آنها همه چیز. بنیروی خود تکیه نزدیکید امن رویزیونیست ها در آویزند.

روزی در روزگار خر و شجغ نمایند، یکی از ملت های شوروی در عالم جاهله کوشی بر رویزیونیست ها اظهار داشت: "گلیه دست آورد های ملت من در اثر دوستی یا ملت روس بدست آمده است. اگر از هر یک از احاد ملت من بپرسند که بیشتر از هر چیز بچه منازد خواهد گفت بدوستی ملت روس".

این گوینده ندانست که اگر چه دوستی ملت انقلابی روس (و نه بورژوازی روسیه تزاری و یا خر و شجغی) غنیمت بزرگ و مایه سر بلندی است ولی این دوستی جز با تکیه بر نیروی خلقها نمیتواند کترین ثمرهای بیبار آورد. آنچه دست آورد های ملتی را

سیاسازد نیروی خود آن ملت است و بزرگترین مباحث هر ملت به وظیفه ای است که در برابر تاریخ انجام میدهد.

این گوینده ندانست که با گفتار تعلق آمیز خود چه توهین کمرشکو بملت خویش وارد میسازد.

اینک رویزیونیست های حزب تودما ایران که زنجیر اسارت سردگی خلق ایران را رنگ آمیزی میکنند نمیدانند که در نظر این خلق چه قیافه منفوری دارند.

ما بحث خویش را در این زمینه باین سخن بزرگ ماو ختم میکنیم: "شرطهای جامعه را کارگران، دهقانان، و روشنفکران زحمتکش میآفرینند. اگر آنها سر نوشت خویش را بدست گیرند، اگر از سوسیالیسم - لنینیستی پیروی کنند و بجای آنکه از کار مسائل رد بشوند بحل آنها بپردازند، همیشه خواهند توانست بر هر مشکلی در جهان فائق آیند".

بهمه رفقای سازمانی و غیر سازمانی

یاد از رفقای سازمانی در پایان نامه ایکه درباره "وظائف مبرم و فوری مارکسیست ها - لنینیست های ایران" نگاشته است چنین مینویسد: "رفقای سازمان ما باید مدام بر سر نوشت نهضت بپنندیشند، راهها و راه های تازه ای نشان دهند، پاسخ کوشی بپرسشنامه ها انگفا، نگنند، و نه فقط برای حال بلکه برای آینده نیز آنچه بنظرشان میرسد در اختیار مرکز بگذارند".

این نمونه ای از طرز فکری و روحانان ماست، این ندانی است به همه رفقای سازمانی و غیر سازمانی که زندگی خود را بانهضت در هم آمیزند در هیچ حالی وظیفه مبارزه را از نظر دور ندارند، پیوسته در جستجوی شرایط نوین و راههای نوین باشند، هرگز نپنند آید که هیچ مرکزی میتواند بدون ابتکار و عمل روزانه توده ها بپدیف عمده ای نائل آید.

رفقا و دوستان!

وظیفه خطیری که روزنامه توفان بر عهده دارد تنها از هیئت تحریریه ساخته نیست. این وظیفه فقط با پشتیبانی همه رفقای سازمانی و همه خوانندگان و همکاری موثر آنها انجام یافتنی است. روزنامه توفان بنظر رفیقا نه فقط مقصدانه و مفیدانه بگریید. در مقاله نویسی بما کمک کنید، انتقادات و پیشنهاد های خود را با ما در میان بگذارید.

"تازمانیکه سلطه امپریالیسم و نوکران وی در این منطقه (منطقه توفانی) به کمک گلوله و سرنیزه برقرار است و تا موقعی که امپریالیسم و نوکران وی جنبش های انقلابی این خلقها را با قهر سرکوب میکنند، جنگها و آزاد پیجش همچنان اجتناب ناپذیر باقی خواهد ماند. کشور ما ایران نیز یکی از کشورهای "منطقه توفان" است".
مستحق از طرح "وظائف مبرم و فوری مارکسیست ها - لنینیست های ایران".

این طرح که بضمیمه شماره ۴ روزنامه توفان منتشر شد در دفتر روزنامه توفان موجود است آن را برادرمطالعواظها ر نظر و توزیع از روزنامه توفان بخواهید.